موضوع: پیش بینی گرایش به ارتکاب جرم بر اساس انعطاف شناختی و صفات شخصیتی نئو

Predicting tendency to commit crime based on cognitive flexibility and neo personality traits

بیان مساله:

امنیت یکی از نیازهای اولیه و ضروری انسان در زندگی اجتماعی است درصورتی که احساس امنیت از جامعه ای گرفته شود؛ سایر داشته های امور برای او لذت بخش نخواهد بود یکی از مهمترین عوامل ایجاد احساس ناامنی وقوع جرم است (ساعدی و همکاران ۱۳۹۲). از نظر آماری، جرم به عنوان یک شاخص تجربی برای آنالیز جامعه شناختی مفید است. گرایش به جرم نشانگر تغییرات سیاسی یا اجتماعی است. اغلب جامعه شناسان علاوه بر علاقه مندی به مطالعه ی جرم، بر روی جنایاتی که جوانان مرتکب می شوند نیز متمرکز می شوند؛ چراکه نسل جوان آینده ی هر جامعه ای است. جوانان در تلاش برای درک ارزشهای اجتماعی اتخاذ استانداردهای زندگی و.... با بسیاری از تناقضات اختلالها مواجه هستند که رفتارهای مجرمانه و بزهکاری تجلی این چالشها است. بنابراین برای کاهش این مشکلات، جوامع بر روی نوجوانان و جوانان سرمایه گذاری می کنند (کریناسکاس و اکاس[۱]، ۲۰۲۰).

یکی از عوامل موثر بر گرایش به ارتکاب جرم، انعطاف پذیری شناختی است (ویستین، هایز و اندرسون[۲]، ۲۰۱۸). انعطاف پذیری یک مفهوم پیچیده و چند بعدی است. توانایی با ظرفیت سازگاری با پاسخ به یک محیط در حال تغییر اشاره به انعطاف پذیر بودن دارد. مهارت های مقابله ای یا انعطاف پذیری به طور مثبت در ارتباط با سازگاری روانشناختی است (چنگ، لیو چانگ[۳]، ۲۰۱۴). حتی برخی پژوهشگران انعطاف پذیری شناختی را مرتبط با سلامت جسمانی می دانند و معتقدند که این توانایی بخش عمده ای از رفتارهای مربوط به سلامت می باشد که به توانایی فرد با لحظه کنونی و نیز پافشاری بر تغییر رفتار در راستای ارزش های برگزیده ی فرد اشاره دارد (اوانگ، بارنی و برت[۴] و همکاران، ۲۰۱۹). بعضی پژوهشها تورامان اوزدمیر کوسان و اوراکی[۱]

---

[1] Kraniauskas, L., & Acus, A
[2] Westin V, Hayes SC, Andersson G
[3] Cheng C, Lau HP, Chan MP
[4] Ong,, Barney & Barrett

(۲۰۲۰)، و یو یو و لین[۲] (۲۰۲۰) انعطاف پذیری شناختی را میزان ارزیابی فرد در مورد قابل کنترل بودن شرایط تعریف کرده اند که این ارزیابی در موقعیت های مختلف کند. انعطاف پذیری شناختی فرد را قادر می سازد که در برابر فشارها، چالشها و سایر مسائل عاطفی و اجتماعی برخورد مناسب و کارآمد داشته باشد. انعطاف پذیری ،شناختی توانایی تغییر آمایه های شناختی به منظور سازگاری با محرک های در حال تغییر محیطی است یعنی تواناییهایی مانند تغییر دیدگاه یا سازگاری انطباقی فرد با قوانین، تقاضاها یا شرایط محیطی جدید (لوکون زیکاتو و بیسازان[۳]، ۲۰۱۷). توانایی تغییر آمایه های شناختی به منظور سازگاری با محرک های در حال تغییر محیطی عنصر اصلی در تعاریف انعطاف پذیری شناختی است (خیراللهی جعفری، قمری و باباخانی ۱۳۹۸). افرادی که انعطاف پذیری شناختی دارند. توانند مشکلات و موقعیتهای جدید را در سطوح مختلف بررسی کرده و گزینه ها و ایدههای جایگزین را ارائه کنند و تحمل تعارض در آنها بیشتر است (حنیف[۴]، ۲۰۱۸).

انعطاف پذیری یک مهارت روانشناختی مثبت است که نقش مهمی در افزایش سلامت روان، بهزیستی روانی، سلامت هیجانی و کیفیت زندگی و کاهش اضطراب، افسردگی، پریشانی روانشناختی و نشخوار فکری دارد (ووقان –جانستون، کوکرت و مک دونالد[۵]، ۲۰۱۷). به میزان تجربه پذیری فرد در مقابل تجربه های درونی و بیرونی، انعطاف پذیری شناختی می گویند. این ویژگی شخصیتی در افراد مختلف به درجات مختلف وجود دارد و نوع واکنش افراد را در مقابل تجربه های جدید معین می کند (ایچورن، مارتون و پیروتینسکی[۶]، ۲۰۱۸).

یکی از حوزه های مطالعاتی رفتار جنایی، بررسی ارتباط بین جرم و ویژگیهای شخصیت است که بر اساس این جهت گیری، رفتار جنایی به واسطه ی صفت شخصیتی خاص یا مجموعه ای از صفات شخصیتی پدیدار می شوند (ون دام، جانسنز و دبر این[۷]، ۲۰۱۵). در گستره‌ی علوم روان‌شناختی، نظریه‌های زیادی در زمینه ویژگی‌های شخصیتی و تأثیر آن‌ها بر هیجان، تفکر و رفتار تبیین شده است که در این بین مدل پنج عامل بزرگ کاستا و مک کری یکی از پرکاربردترین نظریه‌های شخصیت در سال‌های اخیر است که مطرح می‌کند، ویژگی‌های شخصیتی؛ ژنتیکی، ثابت و الگوهایی از افکار، احساسات و رفتار هستند. در این مدل؛ شخصیت

---

[1] Toraman, Ç., Özdemir, H. F., Kosan, A. M. A., & Orakci, S
[2] Yu, Y., Yu, Y., & Lin, Y
[3] Lucon-Xiccato, T., & Bisazza, A
[4] Hanife, E. A
[5] Vaughan-Johnston, Quickert, & MacDonald
[6] Eichorn, N., Marton, K., & Pirutinsky, S
[7] Van Dam, C., Janssens, J.M.A.M., De Bruyn, E.E.J

یک مفهوم چندبعدی است و هر بعد شامل مجموعه‌ای از صفات می‌باشد، این ابعاد (عامل‌ها) عبارت‌اند از؛ روان رنجور خویی[۱](N)، برون گرایی[۲] (E)، پذیرش[۳](O)، سازگاری[۴](A) و وظیفه شناسی[۵] (C) (شادمان فر، سپاه منصور و هومن،۱۳۹۲).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که پایه و اساس عامل روان رنجوری را تجارب و هیجانات منفی و نامطلوب تشکیل می‌دهد. اضطراب[۶]، افسردگی[۷]، کم رویی[۸]، آسیب‌پذیری[۹]، پرخاشگری[۱۰] و خشونت[۱۱]، بی‌ثباتی هیجانی[۱۲] و حساسیت و زودرنجی[۱۳] از جمله ویژگی‌های این عامل است. برون‌گرایی عاملی است که تجربه‌ی هیجانات مثبت، قاطعیت و جرات ورزی، هیجان خواهی، اجتماعی بودن و صمیمیت، پرحرف و پر انرژی بودن از مشخصه‌های آن می‌باشد (کوک، کاسیلاس، روبینس و دو قرتی[۱۴]، ۲۰۱۵). عامل گشودگی؛ انعطاف‌پذیری در برابر تجارب، خلاقیت، کنجکاوی، تخیل، ابتکار، درک احساسات و پذیرش ارزش‌ها و ایده‌های جدید را در بر می‌گیرد. عامل خوشایندی با صفاتی چون نوع‌دوستی، همدردی، خویشتن‌داری، بخشندگی و سخاوت و وفاداری همراه است و ویژگی‌هایی چون احساس وظیفه‌شناسی و و مسئولیت پذیری، خویشتن‌داری، نظم و ترتیب، کفایت، تمایل به پیشرفت و محتاط بودن مشخصه‌های عامل وظیفه‌شناسی هستند (هیرش و پیترسون [۱۵]، ۲۰۱۸).

در بررسی هون[۱۶] (۲۰۱۶) بر روی دانش آموزان ۱۹ ۱۶ ساله مجرم نیز مشخص شد که بین وقوع جرم با نوروتیسیزم ارتباط مثبت و با گشودگی و با وجدان بودن ارتباط منفی وجود دارد. مطالعه ی ون دام و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد علاوه بر اینکه دانش آموزان مجرم در صفات توافق پذیری و گشودگی نسبت به دانش آموزان

---

[1]- Neurotism
[2]- Extraversion
[3]- Openness
[4]- Agreebleness
[5]- Conscientiousness
[6] Anxiety
[7] depression
[8] shyness
[9] vulnerability
[10] aggression
[11] violence
[12] emotional instability
[13] sensitivity and irritability
[14] - Cook, Casillas, Robbins & Dougherty
[15] - Hirsh & Peterson
[16] Heaven, P.C.L

عادی در سطح پایینتر و در نوروتیسیزم در سطح بالاتری قرار داشتند تکرار جرم پس از رهایی از زندان نیز به طور معنی داری با سطح پایین توافق پذیری و گشودگی و سطح بالای نوروتیسیزم رابطه دارد. بر اساس یافته های ون اکن ون لیشات و شولت[1] (۲۰۱۸) نیمرخ شخصیتی مجرمین با نمرات بسیار پایین در صفات توافق پذیری و باوجدان بودن و نمرات متوسط در برون گرایی گشودگی و نوروتیسیزم مشخص می شود.

در کشور ما بررسی های اندکی در زمینه انعطاف شناختی و نیز صفات شخصیتی آنها انجام شده است. بنابراین با توجه به آنچه بیان شد این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال است که آیا گرایش به ارتکاب جرم بر اساس انعطاف شناختی و صفات شخصیتی نئو پیش بینی می شود؟

اهمیت و ضرورت:

آمارهای منتشره نشان می‌دهد که علی رغم بهبود وضع زندگی به لحاظ رشد و تحولات فرهنگی و اجتماعی و همچنین توسعه و گسترش مراکز و موسسات خدمات روانشناختی، باز آمار جرایم ارتکابی کودکان و نوجوانان، افسار گسیخته است. عوامل و دلایل احتمالی زیادی بر این پدیده‌ی ناگوار اجتماعی مترتب است که از جمله‌ی آنها مسایل مربوط به علل خانوادگی و ویژگی‌های شخصیتی، شناختی خود فرد بزهکار است (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۴).

امرور گرایش به ارتکاب جرم یکی از مهم ترین چالشهای بهداشتی و روانی اجتماعی است که اکثر کشورهای جهان به نوعی با آن درگیر هستند و مشکلات گسترده و شدیدی را بر جوامع تحمیل می نمایند. علیرغم تلاشهای بسیاری که در دو دهه ی اخیر در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به آسیب و خطر گرایش به ارتکاب جرم صورت گرفته است، همچنان با افزایش روزافزون این رفتارها روبرو هستیم (صاحبدل و همکاران، ۱۳۹۳).

تحقیقات مربوط به نقش شخصیت در گرایش به ارتکاب جرم و یا تأثیر آن در پیشگیری از گرایش به ارتکاب جرم نوجوانان بسیار با اهمیت بوده و می‌تواند نتایج حاصله در ناجا و سازمان‌هایی به مانند آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی و سایر سازمان‌های خدمات اجتماعی از قبیل کانون‌های اصلاح و تربیت و غیره مورد استفاده

[1] Van Aken, M.A.G., Van Lieshout, C.F.M., Scholte, R.H.J

قرار گیرد. نتایج حاصل از این تحقیق، با توجه به متفاوت بودن قلمروی جغرافیایی‌اش با تحقیقات پیشین، متفاوت از تحقیقات مشابه در این زمینه خواهد بود.

علاوه بر موارد نیاز به پیش بینی گرایش به ارتکاب جرم بر اساس انعطاف شناختی و صفات شخصیتی نئو ؛ عدم وجود پژوهشی جامع در این حوزه و ایجاد زمینه برای انجام پژوهش‌های بیشتر وهمه جانبه در این حوزه از ضرورت های پژوهش حاضر است.

نتایج حاصل از این پژوهش، می‌تواند چشم‌اندازی روشن و عملی برای مشاوران و روان درمانگران و به خصوص خانواده درمانگران فراهم نماید. به علاوه، نتایج پژوهش می‌تواند مبنای نظری و عملی مناسبی برای کاهش گرایش به ارتکاب جرم در موسسات مختلف آموزشی و درمانی از قبیل مراکز مشاوره در دانشگاهها، کانون های اصلاح و تربیت، کلینیک ها و غیره قرار گیرد.

پیشینه:

مرادی و همکاران (۱۴۰۱)پژوهشی با هدف تأثیر ویژگی‌های شخصیتی (سیستم‌های مغزی/ رفتاری) بر ارتکاب جرم سرقت انجام دادند. روش انجام پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل کلیه محکومان به سرقت می‌باشد. که در سال ۱۳۹۸ در زندان‌های استان لرستان به سر می‌برند. از بین جامعه آماری مورد نظر، به دلیل اینکه اطلاعات جامعی در مورد تعداد محکومان به سرقت در دسترس نیست، برای انتخاب حجم نمونه، از نرم‌افزار G.power استفاده شده و گروه نمونه‌ای به اندازه حداقل ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری دسترس (به دلیل اینکه دسترسی به گروه نمونه هدف در محیط‌های خاص زندان و دادگستری و ... امکان‌پذیر است و دسترسی در این محل‌ها به این قبیل افراد برای معرف بودن می‌باشد) انتخاب می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که فرضیه موردنظر تأیید می‌شود یعنی به‌طورکلی ویژگی‌های شخصیتی در میزان ارتکاب به سرقت آنان تأثیرگذار است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که سیستم بازداری رفتاری در ارتکاب به سرقت تأثیر دارد یعنی افرادی که سیستم بازداری رفتاری فعال‌تری دارند با احتمال بیشتری مرتکب سرقت می‌شوند.

بهادری و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف صفات شخصیتی پیش بینی کننده خودکنترلی و تنظیم عاطفی در بزهکاران: تحلیل ارتکاب جرم بر حسب روان شناسی شخصیت انجام دادند. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری کلیه بزهکاران دختر شهر تبریز هستند که در سال ۱۳۹۵ در کانون اصلاح و تربیت نگه داری می شوند. به علت محدود بودن جامعه مورد مطالعه، تمامی اعضا (۶۰ نفر) به روش سرشماری به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های شخصیت آیزنک، خودکنترلی تانجی و کنترل عواطف ویلیامز و همکاران استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون انجام گرفت. یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین عامل های شخصیتی روان پریشی گرایی و روان رنجوری با خودکنترلی و کنترل عواطف رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین عامل شخصیتی روان پریشی گرایی با مؤلفه های خشم، خلق افسرده و اضطراب کنترل عواطف رابطه مثبت و معنادار و با عاطفه مثبت رابطه ای ندارد. بین عامل شخصیتی روان رنجورخویی با مؤلفه های خشم، خلق افسرده کنترل عواطف رابطه مثبت و معنادار و با اضطراب و عاطفه مثبت رابطه ای مشاهده ندارد. از طرفی نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ویژگی های شخصیتی می توانند خودکنترلی و کنترل عواطف در بزهکاران پیش بینی کنند.

محمدزاده و عاشوری (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف مقایسه همبسته های شخصیتی صفات ماکیاولیایی، خودشیفتگی و ضداجتماعی (مثلث تاریک شخصیتی) در الگوی سه عاملی انجام دادند. جامعه آماری تحقیق حاضر عبارت بود از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور تبریز از بین آنها نمونه ای به حجم ۲۰۳ نفر و با در نظر گرفتن توزیع جمعیتی به روش نمونه گیری طبقهای انتخاب شدند. آزمودنیها به پرسشنامه های شخصیت ماکیاولیایی، پرسشنامه شخصیت چندمحوری بالینی میلون-۲ و شخصیت آیزنک پاسخ دادند. داده ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری تحلیل شدند. یافته ها شخصیت ماکیاولیایی با روان آزرده گرایی و روان پریشی گرایی ، شخصیت خودشیفته با روان پریشی گرایی و برون گرایی و شخصیت ضداجتماعی با روان پریشی گرایی و روان آزرده گرایی رابطه مثبت نشان داد.

میکائیلی منیع، صالحی و احمدی خویی (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف سه گانه تاریک شخصیت در افراد مجرم و غیر مجرم: خودشیفتگی ماکیاولیسم و جامعه ستیزی انجام دادند. روش تحقیق از نوع علی مقایسه ای بود.

مطالعه روی ۸۵ نفر از زندانیان مرد زندان شهر ارومیه و ۸۵ نفر از افراد غیر محرم از جمعیت عمومی ارومیه انجام شد. شرکت کنندگان بر اساس ویژگی های جمعیت شناختی با هم همتا شدند. پرسشنامه محقق ساخته برای اطلاعات جمعیت شناختی، پرسشنامه شخصیت خودشیفته، پرسشنامه شخصیت ماکیاولیسم، مقیاس خودگزارشی پسیکوپاتی نسخه سوم، ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش بودند. داده ها با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که تفاوت دو گروه در ویژگی های شخصیتی خودشیفتگی و ضد اجتماعی در سطح و در صفت ماکیاولیسم در سطح معنی دار است. بزرگ ترین تفاوت به ویژگی خودشیفتگی مربوط می شود.

هولدن، پترسون و فیکن[1](۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی اثرات میانجی رواندرد (یعنی درد روانی غیرقابل تحمل) و افسردگی بر رابطه بین ترومای دوران کودکی و خودآزاری غیرخودکشی (NSSI) پرداخت. با استفاده از تحلیل‌های میانجی‌گری موازی، درد روانی به‌طور مستقل تمام پیوندهای مهم بین هر نوع آسیب دوران کودکی و NSSI را میانجی‌گری کرد، در حالی که افسردگی فقط برای آزار عاطفی در نمونه جامعه این کار را انجام داد. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط بین ترومای دوران کودکی و NSSI ممکن است با مداخلاتی که رواندرد را هدف قرار می‌دهند، کاهش یابد.

رابینسون، گریسچ و ویلسون[2] (۲۰۲۱) پژوهشی با هدف افکار و خصوصیات رفتاری خود آسیب دیدگی غیر خودکشی و ارتباط با افکار و رفتارهای خودکشی در میان نوجوانان جامعه پرداختند. نوجوانان با افکار خود آسیب دیدگی غیر خودکشی و آنهایی که رفتار خود آسیب دیدگی غیر خودکشی داشتند بیشتر از نوجوانانی که هیچ سابقه خود آسیب دیدگی غیر خودکشی نداشتند ، افکار خودکشی مادام العمر و برنامه خودکشی در سال گذشته را گزارش می کردند. علاوه بر این ، نوجوانان با سابقه خود آسیب دیدگی غیر خودکشی بیشتر از نوجوانانی که هیچ سابقه خود آسیب دیدگی غیر خودکشی نداشته اند ، بیشتر سابقه اقدام به خودکشی در طول زندگی و همچنین اقدام به خودکشی در سال گذشته را گزارش می کنند. تعداد بیشتری از روش های خود آسیب دیدگی غیر خودکشی، نیاز به کمک پزشکی برای آسیب های خود آسیب دیدگی غیر خودکشی ، و

[1] Holden, R., Patterson, A & Fekken, G
[2] Robinson, K., Garisch, A.J., Wilson,, M .S

مشارکت در خود آسیب دیدگی غیر خودکشی برای تنبیه خود ، ضد خودکشی و عملکردهای جستجوی احساس با شدت بیشتر افکار و رفتارهای خودکشی در ارتباط بود.

وانگ،بارنی و برت[1] و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی نقش انعطاف پذیری روانشناختی و خود شفقت در درمان پذیرش و تعهد برای کمال گرایی بالینی پرداختند. پنجاه و سه شرکت کننده با کمال گرایی بالینی به صورت ۱۰ جلسه ای ACT یا ۱۴ هفته کنترل لیست انتظار منتظر شدند (فقط ۳۹ نفر ارزیابی پس از درمان را انجام دادند). نتایج آزمایش شده شامل نگرانی نسبت به اشتباهات، تردید در اعمال، استانداردهای شخصی، کیفیت زندگی، پریشانی علائم و اختلال عملکرد و اقدامات ارزشمند است. تجزیه و تحلیل مدل سازی چند سطحی نشان داد که کاهش انعطاف پذیری روانشناختی رابطه بین شرایط و کیفیت بالاتر زندگی را افزایش می دهد و افزایش خود شفقت باعث کاهش نگرانی نسبت به اشتباهات می شود. علاوه بر این، عدم انعطاف پذیری روانشناختی متفاوت نتایج را با توجه به نتیجه آزمایش شده تعدیل می کند. به عنوان مثال ، عدم انعطاف پذیری پایه کمتری بهبود بیشتری در کیفیت زندگی پیش بینی می کند در حالی که عدم انعطاف پذیری پایه بالاتر، بهبود بیشتر در پریشانی علائم و اختلال عملکرد را پیش بینی می کند. شرکت کنندگان با متوسط دلسوزی پایه، بیشترین بهره را از ACT می برند. این یافته ها روشن می کند که چگونه انعطاف پذیری روانشناختی و خود شفقت بر نتایج پس از ACT برای کمال گرایی بالینی تأثیر می گذارد.

هافمن[2]، هالسبو[3]، ایلنبرگ[4]، جن سن[5] و فروشلم[6] (۲۰۱۴) و ایلنبرگ، کرون استرند[7]، فینک[8] و فروشلم (۲۰۱۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که مداخلهACT با تغییر در انعطاف پذیری روانی و توجه آگاهانه به حال علائم اضطراب سلامتی و فشارهای روانی را کاهش می‌دهد.

---

[1] Ong,, Barney & Barrett
[2] Hoffmann, D
[3] Halsboe, L
[4] Eilenberg, T
[5] Jensen, J
[6] Frostholm, L
[7] Kronstrand, L
[8] Fink, P

اهداف:

هدف کلی

پیش بینی گرایش به ارتکاب جرم بر اساس انعطاف شناختی و صفات شخصیتی نئو

اهداف جزیی

۱. تعیین رابطه انعطاف شناختی با گرایش به ارتکاب جرم

۲. تعیین رابطه صفات شخصیتی نئو با گرایش به ارتکاب جرم

فرضیه ها:

فرضیه کلی

گرایش به ارتکاب جرم بر اساس انعطاف شناختی و صفات شخصیتی نئو پیش بینی می شود.

فرضیه های جزیی

۱. بین انعطاف شناختی با گرایش به ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

۲. بین صفات شخصیتی نئو با گرایش به ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

گرایش به ارتکاب جرم

تعریف مفهومی: گرایش به ارتکاب جرم حالت بالقوه ای از رفتار است که فعلیت نیافته و جرمی صورت نپذیرفته است؛ لیکن میل و رغبت به این شیوه ی رفتاری در افراد وجود داشته و در صورت بروز و وجود زمینه ی مساعد این میل و رغبت تبدیل به رفتار مجرمانه خواهد شد (اکبرپور و راد ۱۳۹۴).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر منظور از گرایش به ارتکاب جرم نمره ای است که فرد از پرسشنامه محقق ساخته گرایش به ارتکاب جرم کسب می کند.

انعطاف پذیری شناختی

تعریف مفهومی: انعطاف پذیری شناختی به میزان تجربه پذیری فرد در مقابل تجارب درونی و بیرونی اطلاق می شود. این ویژگی شخصیتی در افراد مختلف به درجات متفاوتی وجود دارد و نوع واکنش افراد را در مقابل تجارب جدید معین می کند (کاشدان[1] و همکاران، ۲۰۱۰).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر منظور از انعطاف پذیری شناختی نمره ای است که فرد از پرسشنامه انعطاف پذیری شناختی دنیس و وندورال (۲۰۱۰) کسب می کند.

ویژگی های شخصیتی

تعریف مفهومی: شخصیت، بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فرد یا افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری آنهاست (پروین و جان، ۲۰۱۰؛ ترجمه کدیور و جوادی، ۱۳۹۵).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش منظور از شخصیت نمره‌ایی است که فرد از پرسشنامه پنج عاملی شخصیت(NEO-FFI) بدست می آورد.

روش:

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است.

[1] Kashdan TB

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه نوجوانان شهر ... تشکیل خواهند داد. روش نمونه گیری به شیوه خوشه ای چند مرحله ای خواهد بود و تعداد نمونه براساس جدول مورگان و با توجه به جامعه ۲۴۸ نفر تعیین شده است.

ابزار:

پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی

پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی را دنیس و وندورال[1](۲۰۱۰) ساخته‌اند. این پرسش‌نامه یک ابزار خودگزارش‌دهی کوتاه ۲۰سؤالی است و برای سنجش انعطاف‌پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، به کار می‌رود.

نمره‌گذاری. نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس ۷درجه‌ای لیکرت از ۱ تا ۷ است که نمره بالاتر به معنای انعطاف‌پذیری شناختی بیش‌تر است. این ابزار سه جنبه انعطاف‌پذیری شناختی را می‌سنجد: میل به درک موقعیت‌های سخت به عنوان موقعیت‌های قابل کنترل؛ توانایی درک چندین توجیه جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان‌ها؛ توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برای موقعیت‌های چالش‌برانگیز.

روایی و پایایی. این پرسش‌نامه در کار بالینی و غیربالینی و برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف‌پذیر به کار می‌رود. دنیس و وندرال در پژوهشی نشان دادند این پرسش‌نامه ساختار عاملی، روایی همگرا و روایی هم‌زمان مناسبی دارد(دنیس و وندورال، ۲۰۱۰). این پژوهشگران نشان دادند دو عامل ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار، یک معنی دارند و عامل کنترل به عنوان خرده‌مقیاس دوم در نظر گرفته

[1] Dennis & Vander Wal

شد. روایی هم‌زمان این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه افسردگی بک برابر با ۰/۳۹-و روایی واگرای آن با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی مارتین و رابین، ۰/۷۵ گزارش شده است. این پژوهشگران پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس، ادراک کنترل‌پذیری و ادراک گزینه‌های مختلف به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۸۴ و با روش بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۵ و ۰/۷۷ به دست آوردند. شاره، فرمانی و سلطانی(۱۳۹۳) ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار را در نمونه ایرانی بررسی کردند. ضریب اعتبار بازآزمایی برای کل مقیاس ۰/۷۱ و برای خرده‌مقیاس‌های کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۷۲ و ۰/۵۷ به دست آمد. این پژوهشگران ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۰ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۵۵ گزارش کرده‌اند. همچنین پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی از روایی عاملی، همگرا و هم‌زمان مطلوبی در ایران برخوردار است. در نسخه فارسی، برخلاف نسخه اصلی که تنها دو عامل را به دست داد، پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی شامل سه عامل کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار است. روایی همگرای آن با پرسش‌نامه تاب‌آوری برابر با ۰/۶۷ و روایی هم‌زمان آن با پرسش‌نامه افسردگی بک برابر با ۰/۵۰- بود.

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت(NEO-FFI)[1]

این آزمون در سال ۱۹۸۵ توسط کاستا و مک کری ارایه شد. این مقیاس دارای ۶۰ سوال است. هر یک از سوال‌ها نشان دهنده یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت مک کرا و کاستا به ترتیب روان رنجورخویی (N)، برون گرایی (E)، گشودگی (O)، خوشایندی (A)، با وجدان بودن یا وظیفه شناسی (C) است (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۹). پاسخنامه این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. نمره گذاری فرم کوتاه این پرسشنامه یعنی NEO-FFI در تمام مواد یکسان نیست. به این معنی که در نمره گذاری برخی از مواد فرم کوتاه پرسشنامه، به کاملاً مخالفم نمره ۰، مخالفم نمره ۱، بی تفاوت نمره ۲، موافقم نمره ۳ و کاملاً موافقم نمره ۴ تعلق می‌گیرد. در حالی که برخی دیگر از مواد این فرم کوتاه به صورت عکس حالت گفته شده نمره گذاری می‌شوند (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). در کل آزمودنی در هر مقیاس نمره‌ای از صفر تا ۴۸ کسب می‌کند (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۹). در حال حاضر آزمون ۵ عاملی NEO کاربردی جهانی دارد و به منظور تحقیق به زبان‌های چک‌اسلواکی، عربی، هلندی، فرانسوی، آلمانی، ژاپنی،

[1] NEO Five-Factor Inventory

نروژی، لهستانی و سوئدی ترجمه شده است. در خصوص اعتبار NEO-FFI، نتایج چندین مطالعه حاکی از آن است که زیر مقیاس‌های NEO-FFI، همسانی درونی خوبی دارند. به عنوان مثال کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) ضریب الفای کرونباخ بین ۰/۶۸(برای موافق بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان رنجوری) گزارش کرده‌اند. پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI، در ایران توسط گروسی (۱۳۷۷) هنجاریابی شده است. اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون–آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به ترتیب برای عوامل روان رنجورخویی، برون گرایی، گشودگی، خوشایندی و وظیفه شناسی به دست آمده است (به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۹). در هنجاریابی آزمون NEO که توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت. ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان آزردگی خویی، برون گرایی، باز بودن، ساز گاری و با وجدانی به ترتیب ۰/۸۶ ، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (S) و فرم ارزیابی مشاهده گر (R)، استفاده شد، که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل سازگاری بود (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). در پژوهش آتش روز (۱۳۸۶) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ۵ صفت : روان رنجور خویی، برون گرایی، گشودگی، وظیفه شناسی و خوشایندی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۵، ۰/۲۷، ۰/۳۸ و ۰/۷۷ به دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

جهت تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده توسط ابزار های فوق، از شاخص های و روش های آمارتوصیفی برای بدست آوردن فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، و خطای استاندارد داده ها استفاده می شود؛ و سپس از آمار استنباطی برای بدست آوردن ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری به کمک نرم افزار spss به کار گرفته خواهد شد.

منابع فارسی